

آسیب‌شناسی روش تفسیر علمی قرآن

غلام‌رضا حسنی^۱

چکیده

تفسیر علمی یکی از پدیده‌های نوظهور در تفسیر معاصر و اسباب برای سازگاری قرآن و علوم است. این شیوه‌ی تفسیری مانند همه شیوه‌های دیگر تفسیری از خطا دور نمانده است. هدف از این پژوهش آسیب‌شناسی روش تفسیر علمی در قرآن کریم است که با روش توصیفی-تحلیلی به آسیب‌شناسی تفسیر علمی قرآن کریم پرداخته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مفسران تفسیر علمی در مجموع دو رویکرد را در پیش گرفته است. یک رویکرد اعتدال. در این رویکرد، تفسیر علمی آن است که با استفاده از مباحث علم روز، به منظور در و فهم بهتر آیات قرآن کریم، آن دسته از آیاتی که متضمن بعضی از مباحث علمی است تبیین می‌شود و مفسر قصد استخراج علوم روز را از قرآن کریم ندارد. دو رویکرد افراط. در این رویکرد، نظریه‌های اثبات‌شده‌ای علوم تجربی و حتی فرضیه‌های علمی را بر آیات قرآن تطبیق و تحمیل کرده است طرفداران این رویکرد عبارت‌اند از: طنطاوی، نوفل و دیگران. در صورت رعایت نشدن معیارهای تفسیر علمی، این تفسیر آسیب‌های جدی دارد که تحمیل و تطبیق نظریه‌های علوم تجربی بر قرآن، تقدس زدایی از قرآن کریم، فراموش شدن هدف اصلی قرآن کریم و انتظار بیش از حد از قرآن کریم از جمله آسیب‌های تفسیر علمی است.

واژگان کلیدی: تفسیر علمی، آسیب‌شناسی، علوم تجربی، تحمیل، تطبیق، روش.

مقدمه

تفسیر علمی قرآن سابقه‌ای دیرینه دارد و از گذشته مورد توجه قرآن‌پژوهان بوده است؛ اما در دو قرن اخیر که برخی از کشفیات علوم تجربی توسط دانشمندان بر آیات قرآن منطبق شده موجب شده است که چنین گرایش در تفسیر، یکی از روش‌ها و گونه‌های تفسیری مهم معاصر به شمار آید. تفسیر علمی نیز همچون دیگر جریان‌های تفسیری، در عین برخورداری از نکات مثبت و توفیق در نشان دادن افقی تازه در فهم آیات قرآن و گشودن وجهی از وجوه ناپیدای کرانه‌ی کلام الهی به ورطه افراط و تفریط و لغزش در فهم درست کلام الهی، تأویل‌های نادرست و تعمیم‌های نابجا و زیاده‌روی‌های ناسنجیده افتاده است. در روش تفسیر علمی قرآن، برخی از مفسران راه افراط را در پیش گرفته و در تفسیر آیات قرآن کریم، علوم تجربی را اصلی تلقی کرده و آیات قرآن را فرع بر داده‌ها تجربی گرفته‌اند که موجب تزلزل واداشتن استحکام

^۱. دانش‌آموخته سطح چهار حوزه و دانشجویی دکترای قرآن و علوم مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی وابسته به جامعة المصطفی.

قطعی قرآن شده و حقانیت دین را مورد اتهام قرار داده است؛ و از آن طرف برخی (گروه دوم) نیز معتقدند که همه چیز را باید در قرآن جست‌وجو نمود و هیچ چیزی نیست مگر این که در قرآن بیان شده است زیرا قرآن «تبیان کلی شیء» است هیچ‌تر و خشکی نیست مگر آن که در قرآن وجود دارد.

گروه سوم راه اعتدال را برگزیده‌اند. آنان در تفسیر علمی، آیات قرآن را اصل دانسته و علوم تجربی را در استخدام مسیر پی بردن به مفهوم و معنی بهتر آیات درآورده‌اند و این کار را طریقی برای پی بردن به یکی از وجوه اعجاز قرآن و طرح قرآن در میان نسل جدید قرار داده‌اند. برای دستیابی به مقصود خداوند در آیات قرآن کریم، اندیشمندان و متفکران دینی گرایش‌ها و روش‌های گوناگون تفسیری را پدید آورده‌اند. روش‌های چون روایی، عقلی، موضوعی و... و در این میان روش تفسیر علمی و علم محور، یعنی انطباق آیات با علوم تجربی جاذبه بیشتری پیدا کرده است. از این رو، توجه به اشتباهات مفسران علمی و پیامدهای بعضاً منفی آن، از جمله اموری بوده است که زود هنگام هم‌زمان با تکوین این شیوه تفسیری (تفسیر علمی) مورد توجه، نقد و آسیب‌شناسی اندیشه‌وران دینی و قرآنی قرار گرفت است؛ و ما نیز در این نوشتار بعد از مفهوم‌شناسی به برخی از این آسیب‌ها می‌پردازیم.

الف) مفهوم‌شناسی

۱. آسیب‌شناسی

آسیب در لغت به معنای: آفت، بیماری، نقض، اختلال و خطر آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲، ۱، ۱۴۴) و آسیب‌شناسی را به شناخت درد، رنج و خسارت معنا نموده‌اند (عمید، ۱۳۷۴، ۱، ۴۴).

۲. روش

در مباحث تفسیری گاهی روش تفسیر و گاهی گرایش تفسیری و به زبان عربی منهج گفته می‌شود. روش تفسیر عبارت است از استفاده کردن از ابزارهای خاصی برای تفسیر قرآن، با توجه به مبانی خاصی که نتایج ویژه‌ای را به دنبال داشته باشد (جمعی از نویسندگان (رحمتی)، ۱۳۸۹، ۵۴).

۳. تفسیر

تفسیر در لغت به معنای روشن کردن، آشکار نمودن و پرده برداشتن از روی چیزی آمده است؛ که در اینجا به برخی از این معانی از کتب لغت اشاره می‌شود:

تفسیر از ماده «فسر» گرفته شده است که به معنی بیان شی و روشن کردن آن است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۴، ۵۰۴). فیروزآبادی «فسر» را به معنی جدا کردن و پرده برداشتن معنی کرده است و تفسیر را کشف نمودن لفظ مشکل دانسته است (فیروزآبادی، ۱۴۰۸، ۲، ۱۱۰). راغب اصفهانی هم تفسیر را به معنی اظهار معنی معقول معنی کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ذیل واژه فسر).

در اصطلاح، زمخشری مفسر و ادیب بزرگ اهل سنت می‌گوید: التفسير علم يبحث فيه من احوال كلام الله المجيد من حيث دلالة على مراده (زمخشری، ۱۳۶۷ ق، ۱، مقدمه) تفسیر علم و دانش است که در آن از احوال کلام خداوند از نظر دلالت آن بر مراد خداوند بحث می‌کند. شبیه همین معنی را مفسر بزرگ شیعه مرحوم طبرسی ذکر کرده است و فرموده: تفسیر علمی است که در آن از احوال کلام خداوند از نظر چگونگی دلالت آن بر مراد خداوند به قدر طاقت و توان بشری بحث می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۹، ۱، ۶) و از مفسرین معاصر مرحوم علامه طباطبایی می‌گوید: هو بیان معانی الآيات القرآنية و الكشف عن مقاصدها و مدالیهها (طباطبایی، ۱۳۷۷، ۱، ۴) تفسیر عبارت است از بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدلول‌های آن‌ها. آیت‌الله جوادی آملی نیز در تعریف تفسیر می‌گوید: تفسیر به معنی بیان مدلول‌های الفاظ و پرده برداشتن از چهره و کلمات و جمله‌های آیات است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ۱، ۵۲-۵۳). با توجه به آنچه از معنی لغوی و اصطلاحی تفسیر بیان شد، روشن گردید که معنی لغوی و اصطلاحی آن نزدیک به هم است و تفسیر عبارت است از کشف، بیان نمودن و پرده برداشتن و استخراج آیات قرآن کریم بر اساس قواعد و منابع معتبر.

ب) چستی تفسیر علمی

در مورد تفسیر علمی نیز همانند بقیه‌ای اصطلاحات علمی، تعریف‌های مختلف و گوناگون ذکر شده است که هر کدام از سوی دانشمندان مورد نقد و بررسی قرار گرفته است که از حوصله این نوشتار بیرون است مثلاً: برخی تفسیر علمی را به فهمیدن عبارت‌های قرآن در پرتوی آنچه علم ثابت کرده تعریف نموده‌اند و برخی به حاکم قرار دادن نظریات و اصطلاحات علمی در عبارت‌های قرآن و استخراج علوم مختلف و آرای فلسفی از آن و برخی هم به کشف رابطه آیات و اکتشافات علوم تجربی اشاره نموده‌اند که به برخی از این تعاریف اشاره می‌شود:

ذهبی در تعریف علمی می‌گوید: نريد بالتفسير العلمی التفسير الذی یحکم الاصطلاحات العلمیة فی عبارات القرآن یجتهد فی استخراج مختلف العلوم و الآراء الفلسفیة منها (ذهبی، ۲، ۴۷۴) از تفسیر علمی، تفسیری را اراده می‌کنیم که در عبارت‌های قرآن اصطلاحات علمی را حاکم می‌کند و در استخراج علوم مختلف و آرای فلسفی از عبارت‌های قرآن کوشش می‌نماید.

دکتر فهد بن عبدالرحمان رومی، پس از بیان برخی تعریف‌های تفسیر علمی، این تعریف را جامع و مانع می‌داند: المراد بالتفسير العلمی هو اجتهاد المفسر فی کشف الصلة بین آیات القرآن الکریم و الکونیة و مکتشفات العلم التجربی علی وجه یظهر به اعجاز للقرآن و یدل علی مصدره لكل زمان و مکان (رومی، ۱۴۰۷، ۲، ۵۴۹). تفسیر علمی عبارت است از کوشش مفسر در کشف ارتباط بین آیات هستی‌شناسانه قرآن کریم و اکتشافات دانش تجربی، به گونه‌ای که اعجاز قرآن به وسیله آن کشف شود و بر مصدر هدایت بودن آن برای هر زمان و مکان دلالت کند.

برخی از قرآن‌پژوهان معاصر تفسیر علمی را چنین تعریف نموده است: تفسیر علمی عبارت است از آشکار کردن معنا و مقصود آیات به کمک اکتشافات و یافته‌های علوم تجربی (بابایی، ۱۳۹۱، ۳، ۳۲۱).

بررسی: مراد از علم در تفسیر علمی، همان علوم تجربی است، یعنی در تفسیر علمی مفسر برای روشن شدن مفاد برخی از آیات از علوم تجربی مثل پزشکی، فیزیک، شیمی، نجوم، زمین‌شناسی و... استفاده می‌کند که نتایج به‌دست‌آمده را تفسیر علمی قرآن می‌گوید (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۱، ۶۵۲)؛ اما در تعریف ذهبی، علم، اعم از علوم تجربی و سایر علوم مثل فلسفه گرفته است. ایشان استخراج علوم از قرآن را تفسیر علمی دانسته است، درحالی‌که استخراج علم، غیر از تفسیر علمی است. در تفسیر (علمی) آیات و توضیح معنی و مقصود آن‌ها، از داده‌ها و یافته‌های دانش تجربی کمک گرفته شود. در استخراج علم از آیات گرچه گاهی ممکن است از دانش‌های تجربی کمک گرفته شود، همیشه چنین نیست، بلکه ممکن است با تحلیل ادبی با کمک گرفتن از آیات دیگر و یا روایات، بدون کمک گرفتن از دانش علمی از آیات استخراج شود، به‌ویژه اگر علمی که استخراج می‌شود با موضوعات و مسائل دانش تجربی ارتباط نداشته باشد (بابایی، ۱۳۹۱، ۳، ۲۳۳).

به نظر می‌رسد تعریف فهد رومی از تفسیر علمی، تعریف مناسب باشد، زیرا در این تعریف اولاً: علم را به دانش تجربی اختصاص داده و استفاده از علوم غیرتجربی را خارج کرده است. ثانیاً: به روش نیز اشاره شده است که مفسر از طریق کشف ارتباط بین آیات و کشفیات علوم تجربی معنا و مقصود آیات بیان و توضیح می‌دهد. ثالثاً: این کشف و ارتباط مخصوص و منحصر به یک‌زمان و مکان نیست، بلکه با پیشرفت علم و دانش بشری این کشف و ارتباط بهتر و روشن‌تر از هر زمان خواهد بود.

ج) اهمیت و ضرورت تفسیر علمی

قرآن کریم هرچند کتاب هدایت است و انبیای الهی نیز برای هدایت انسان‌ها به‌سوی معنویت و خداوند آمده‌اند، ولی در راستای این هدف بزرگ، از اشارات علمی نیز استفاده کرده و موارد بیساری از مسائل خلقت آسمان و زمین، خورشید و ماه و ستارگان، شب و روز، ابر و باران، انسان و حیوانات و ده‌ها مسئله مربوط به آفرینش جهان هستی را ذکر و در موارد زیادی از چگونگی آنان سخن گفته است. حال با توجه این مطلب، مفسر قرآن نمی‌تواند در برابر این دسته از آیات بی‌تفاوت باشد و ناچار باید نکات پیچیده‌ی آن را بیان کرده و موضع قرآن را در برابر بسیاری از مسائلی که خود به آن‌ها پرداخته شرح دهد.

به عبارت دیگر، چون قرآن کریم کلام وحی است و در طرح نظریات علمی قصد جدی دارد لازم است برای پرده‌برداری از معانی آیاتی که اشارات علمی دارد از علوم موجود هر عصر بهره جسته میان یافته‌های قطعی علوم، با قرآن رابطه برقرار کرده و دست‌کم سازگاری و عدم تضاد را ثابت کرد، این کار را تفسیر علمی می‌گوید.

د) اقسام تفسیر علمی

در خصوص اقسام تفسیر علمی دیدگاه‌های مختلف و گوناگونی در میان اندیشمندان و قرآن‌پژوهان مطرح است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. دیدگاه افراطی تفسیر علمی قرآن. این صورت افراطی نیز دو قسم است:

الف) استخراج علوم از قرآن. قائلان به این دیدگاه مثل زرکشی و غزالی معتقدند که همه علوم (علم اولین و آخرین) در قرآن هست و می‌توان آن‌ها را از قرآن استخراج نمود. زرکشی می‌گوید: ما من شیء الا و یمكن استخراج منه (زرکشی، ۲، ۱۸۱) هیچ چیزی نیست مگر این که می‌توان آن را از قرآن استخراج کرد. غزالی نیز معتقد است که در قرآن کریم همه علوم جمع است: ... و فی القرآن مجامع علم الاولین و الاخرین... فتفکر فی القرآن و التمس غرائب لتصادف فیه مجامع علم الاولین و الاخرین و جملة اوئلہ (غزالی، ۱۹۸۵ م، ۱، ۴۴-۴۷).

روشن است که این ادعا درست نیست، زیرا همه‌ی علوم و ریزه‌کاری‌های علوم، ظرافت‌ها، فرمول‌های فیزیک، شیمی و غیره در ظواهر قرآن وجود ندارد و استخراج آن‌ها از قرآن کاری بی‌ثمر و بی‌معناست.

ه) دیدگاه‌های موجود درباره تفسیر علمی قرآن

۱. دیدگاه افراط (تحمیل و تطبیق نظریه‌های علوم تجربی بر قرآن)

در این دیدگاه افراد مانند طنطاوی و عبدالرزاق نوفل و... سعی دارند به‌عنوان تفسیر علمی، نظریه‌های اثبات‌شده‌ای علوم تجربی و حتی فرضیه‌های علمی را بر آیات قرآن تطبیق کرده و تحمیل کنند و سعی دارند وقتی فرضیه‌ای علمی را پیدا کردند در مقابل آن خاضع شده و آیات قرآن را با آن ارتباط دهند؛ مانند طنطاوی که در تفسیر خود بعد از تفسیر لفظی مختصری از آیات به شرح مباحث علمی می‌پردازد و به نظریات دانشمندان شرق و غرب استشهاد می‌کند تا مسلمانان را قانع کند که قرآن کریم پیش از همه به چنین مباحثی اشاره دارد (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ۱، ۶۹۳).

و عبدالرزاق نوفل نیز سعی دارد تا با تحمیل یافته‌های علمی قرآن را تفسیر کند. ایشان در تفسیر آیه شریفه: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (اعراف/۱۸۹). می‌گوید: نَفْسٍ وَاحِدَةٍ، یعنی پروتون و زَوْجَهَا، یعنی الکترون، لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا، یعنی حالت آرامش که بین الکترون و پروتون برقرار شده است و در نتیجه این اتم از هم نمی‌پاشد و الکترون به‌طور مرتب به دور مرکز اتم می‌چرخد (نوفل، ۱۹۷۶ م، ۱۵۶).

این دیدگاه نیز نادرست است، زیرا روشی را که آنان در تفسیر آیات در پیش گرفته‌اند نه با ظاهر آیات می‌سازد و نه بامعنی لغوی و یا اصطلاحی آیه سازگار است. به عبارت دیگر، اگر منظور از تفسیر علمی، تحمیل و تطبیق تئوری‌ها و نظریه‌های علوم تجربی و مانند آن‌ها بر قرآن باشد که این تفسیر به رأی است و نه تفسیر علمی، زیرا هم مخالف با ظاهر

آیه است و هم ناسازگار بامعنی لغوی و اصطلاحی آیه، زیرا در هیچ کتاب لغت «نفس» را به معنی پروتون و «زوج» را به معنی الکترون نگرفته است.

۲. دیدگاه اعتدال

بر اساس این دیدگاه تفسیر علمی آن است که با استفاده از مباحث علم روز آیاتی که متضمن بعضی از مباحث علمی است تبیین شود، یعنی برای فهم و درک بهتر آیات قرآن و کشف معانی و مقصود خداوند از علوم روز استفاده شود و مفسر قصد استخراج علوم روز از قرآن را نداشته باشد. این نوع از تفسیر علمی که به صورت اعتدالی بوده، بین مفسران رایج بوده و هیچ گونه مشکلی ایجاد نمی کند (جمعی از نویسندگان (قریشی)، ۱۳۸۹، ۲۴-۲۵).

با پیشرفت علم و دانش بشری، ابعاد جدید از آیات علمی قرآن کریم برای بشر کشف می شود و این نه تنها مشکل در تفسیر آیات به وجود نمی آورد بلکه نشان از عمیق بودن آیات این کتاب الهی است که هرچه علم و دانش بشری پیشرفت کند، تازه برخی از زوایای علمی آیات قرآن روشن می شود؛ مثلاً با کشف جاذبه زمین آیه مبارکه: *اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا* (رعد/۲) را بهتر می توان تفسیر کرد؛ و یا با کشف لقاح و بارور شدن ابرها و گیاهان توسط باد، آیه مبارکه: *وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ* (حجر/۲۲) بهتر فهمیده و تفسیر می شود؛ زیرا در این آیه آبستن کردن گیاهان به وسیله ای باد به روشنی بیان شده و حال آنکه بعد از قرن ها علم بشر کشف کرده است که ابرها با بار مثبت و منفی در اثر برخورد باهم بارور می شوند و این کشف علمی مفاد آیات را برای ما روش تر می کند و منافات بامعنی و مفهوم آیات ندارد.

و) آسیب شناسی روش تفسیر علمی قرآن

رویکرد تفسیر علمی دارای مبانی ویژه ای است. برخی از مفسران با اتخاذ مبانی غیرقابل دفاع، باعث پدید آمدن آسیب های جدی در فهم قرآن و تفسیر آن شده اند، برخی نیز با انتخاب روشی نامناسب در تفسیر علمی دچار افراط در تبیین آیات توسط یافته های علمی شده اند، گروهی نیز با وجود انتخاب روش و مبنای مناسب در مقام عمل دچار اشتباه شده و به خطا رفته اند. حال با توجه به دیدگاه های که درباره تفسیر علمی قرآن بیان شد، روشن گردید که تفسیر علمی قرآن دارای آثار و پیامدهای مثبت و منفی است، بدین معنی که اگر تفسیر علمی را به معنی اصل قرار دادن قرآن کریم و فرع قرار دادن علوم تجربی بگیریم، ارتباط بین آیات قرآن و علوم جدید بر اساس ضوابط و قوانین مسلم علم تفسیر باشد، تفسیر علمی کاری است ارزشمند و راهی است برای پی بردن به یکی از وجوه اعجاز علمی قرآن کریم و طریقی است برای طرح قرآن در میان روشنفکران و نسل جدید و کسانی که می خواهند با نگرش نو به قرآن نگاه کنند. پرداختن به همه آسیب های تفسیر علمی از عهده ای این نوشتار خارج است و از این رو، ما در این نوشتار به برخی از این آسیب ها می پردازیم:

۱. تحمیل و تطبیق نظریه علوم تجربی بر قرآن

اگر تفسیر علمی به گونه‌ای باشد که علوم تجربی اصل تلقی شده و آیات قرآن فرع، در این صورت تفسیر علمی نه تنها کمکی برای فهم بهتر قرآن نخواهد بود بلکه موجب به تزلزل واداشتن استحکام قطعی آن خواهد شد. عظمت و شخصیت نازل کننده‌ی قرآن و جایگاه و حقانیت دین را از بین خواهد برد. بر همین اساس در تفسیر علمی قرآن، نباید با شتاب‌زدگی گرفتار شد و احیاناً هر چیز که به ذهن مفسر برسد بر قرآن تحمیل کند (جمعی از نویسندگان (قریشی)، ۲۸).

مرحوم علامه طباطبایی با آگاهی از آسیب‌های این نوع از تفسیر (تفسیر علمی) در تفسیر المیزان تحت عنوان «وضع تفسیر در قرن حاضر و پیدایش روش تفسیر قرآن بر مبنای علوم طبیعی و اجتماعی» چنین می‌فرماید: در این اعصار مسلک تازه‌ای در تفسیر پیدا شد و آن این است، جمعی که خود را مسلمان می‌دانند، در اثر فرورفتگی و غور در علوم طبیعی و امثال آن، که اساسش حس و تجربه است و نیز غور در مسائل اجتماعی، که اساسش تجربه و آمارگیری است، روحیه حسی‌گری پیدا کرده، یا به طرف مذهب فلاسفه مادی و حسی سابق اروپایی تمایل پیدا کردند و یا به سمت مذهب اصالت عمل متمایل شده‌اند، آن‌ها اشکالی که بر طریق مفسرین گذشته کرده‌اند که تفسیرشان تفسیر نیست بلکه تطبیق است، عیناً همین اشکال به خودشان وارد است. آن‌ها بحث‌های علمی و یا فلسفی را از خارج گرفته و بر مضمون آیات قرآن تحمیل می‌کنند و لذا تفسیر آنان سر از تطبیق درآورده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱، ۱۲).

۲. علم‌زدگی افراطی

رشد دانش و علوم تجربی در قرن‌های هفدهم و هیجدهم که خود معلول برخی عوامل اجتماعی و فکری بود و نتایج حاصل از آنکه عمده‌ترین آن‌ها تسلط بر طبیعت و استخدام آن در رفاه مادی انسان‌ها بود، اعتقادات جدیدی را در تفکر غربی پدید آورد که می‌توان از آن به علم‌باوری یا علم‌زدگی یاد کرد. این پدیده بسیاری از مسلمانان سست عقیده را تحت تأثیر قرارداد و خاستگاهی شد که باور کنند تمام معارف و روش‌های تحصیل آن باید محدود به معارف و روش‌های علوم تجربی شود، بر همین اساس به سراغ قرآن رفتند بنا را بر این نهادند که معجزات و مسائل مطرح شده در آیات را با مطالب مطرح شده در علوم تجربی توجیه کنند و نتیجه آن جز پدید آمدن التقاط و تحریف چیزی دیگری نبود (جمعی از نویسندگان (قریشی)، ۳۴). این نگرش، آنان را از بهره‌گیری از دیگر منابع تفسیر غافل می‌نماید به نحوی که تفسیر آنان بیشتر دایرةالمعارف از قوانین و اکتشافات علمی می‌شود تا این که تفسیر باشد.

نمونه آشکار از این آسیب را می‌توان در تفسیر طنطاوی مشاهده کرد. او در تبیین اهمیت علوم طبیعی می‌گوید: علوم طبیعی همان علم توحید، همان علم دین، همان رسیدن به خداوند، پیشرفت ملت‌ها و دوستی خداوند، خشیت از او، ترقی ملت‌ها در دنیا و برتری آنان در آخرت، رسیدن به مقام وجهه الهی است و نیل به این همه امور بدون بهره‌گیری از علوم طبیعی امکان ندارد (طنطاوی، بی تا ۱۷، ۱۸).

به گفته مرحوم علامه: این‌ها نظریه‌های علمی را اصل مسلم گرفته و تجاوز از آن را جایز نمی‌داند و بدون آنکه مدالیلی آیات بر آن‌ها دلالت داشته باشد، آنچه از اباحت علمی و یا فلسفی به دست آورده‌اند را بر قرآن تحمیل کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱، ۱۲). روشن است، نباید از دانش‌های تجربی که حوزه مطالعات و کاوش‌هایشان محدود به حس و تجربه در امور مادی است، انتظار قدرت تفسیر و ارزیابی آنچه در خارج از این اتفاق می‌افتد را داشت.

۳. قطعی نبودن اکثر گزاره‌های علوم تجربی

دانش و یافته‌های بشری چون بر اساس حدس و تجربه است قطعی نیست بلکه ابطال‌پذیر است، این ابطال‌پذیری در طول قرن‌ها همواره به اثبات رسیده است. در طول قرن‌ها برای مدت‌زمانی یک نظریه قطعی قلمداد می‌شده ولی بعد از مدتی نظریه‌ی بهتری پیدا شده و نظریه‌ی قبلی را به کلی باطل کرده است و خود جایگزین آن گردیده و به عنوان نظریه و قانون علمی مبنای عمل دانشمندان قرار گرفته و این جریان هم چنان ادامه خواهد یافت.

تفسیر آیات قرآن با فرضیه‌ها و نظریه‌های علمی که هر روز در حال تغییر، اصلاح و ابطال بود، مفسران علم‌گرا را به بزرگ‌ترین لغزش دچار ساخت و هنوز از تفسیر آیه‌ای برابر یافته‌های علمی فارغ نشده بودند که آن یافته اصلاح می‌شد و یا باطل می‌گردید و مفسران به ناچار یا باید به اشتباه خود اعتراف می‌کردند و یا به تفسیر و توجیه جدید برای آیات مورد نظر می‌پرداختند. این گونه از مفسران به دلیل خوش‌بینی بیش‌از حد به دانش تجربی، بسیاری از یافته‌های آن را قطعی تصور کردند و توجه نکردند که فرضیه‌ها و نظریه‌ها علمی را همواره قطعی و دائمی نمی‌توان دانست، آنان باید توجه می‌داشتند که همه قانون‌ها و نظریه‌های علمی پایدار و فراگیر نیستند، اعتماد به آن‌ها نیاز به دقت و تأمل دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶، ۱۳۶-۱۳۸).

برخی از قرآن‌پژوهان در این باره می‌گویند: به کارگیری ابزار علمی برای فهم معانی قرآنی، کاری بس دشوار است، زیرا علم (علم تجربی) حالت ثبات ندارد و با پیشرفت زمان، گسترش و دگرگونی پیدا می‌کند و چه بسا یک نظریه علمی که روزگاری حالت قطعیت پیدا کرده، روز دیگر هم چون سرابی نقش بر آب، محو و نابود گردد. لذا اگر مفاهیم قرآن را با ابزار ناپایدار علمی تفسیر و توجیه کنیم، به معنای قرآن که حالت ثبات و واقعیتی استوار دارند، تزلزل بخشیده و آن را ناستوار می‌سازیم (معرفت، ۱۴۱۷، ۶، ۱۲). از این رو، معقول نیست که آیات قطعی قرآن کریم را با دانش که ثبات ندارد و ابطال‌پذیر است تفسیر نمود.

۴. ایجاد شک و تزلزل در ایمان و اعتقاد مردم نسبت به قرآن

از آنجا که علوم تجربی غالباً قطعی نیست، نظریه‌ها و داده‌های آن متزلزل است و بعد از مدتی تغییر می‌یابد و اگر قرآن را با علوم و دانش که متزلزل و غیر قطعی است تفسیر کنیم، پس از مدتی که آن نظریه علمی باطل و تغییر پیدا کند و

نظریه جدیدی جایگزین آن گردد، مردم ایمانشان نسبت به قرآن متزلزل می‌شود (ذهبی، ۱۳۹۶ ق، ۲، ۳۹۱-۴۹۴، جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹ (رضایی اصفهانی)، ۳۱۹)؛ و آنان خواهند گفت: از کجا معلوم این نظریه‌ای قرآنی که توسط علوم تجربی از آیات استخراج شده است ثابت بماند و مانند سایر نظریات علمی تغییر نکند و حال آنکه در قرآن باطل راه ندارد و آنچه قرآن بیان می‌کند حق است متزلزل و ابطال‌پذیر نیست

۵. عدم توجه به سیاق آیات

زبان‌شناسان در بحث از معنای عبارت به دو سطح از معنا اشاره می‌کنند: معنای واژه و مراد گوینده. برای فهم مقصود گوینده، توجه به سیاق و بافت کلام ضروری است و بدون در نظر گرفتن بافت کلام گوینده رسیدن به مقصود آن امکان‌پذیر نخواهد بود و این یک امر عقلایی است لذا بدون توجه به سیاق آیات یکی از عوامل در افتادن به تفسیر نادرست از هر کلام و از جمله قرآن است. به عبارت دیگر، تعیین مراد گوینده در خیلی از موارد تنها با توجه به سیاق امکان‌پذیر است از نمونه‌های که در این زمینه می‌توان بدان اشاره کرد تفسیر نادرست از آیه‌های ذیل است:

۱. سلطان را در آیه مبارکه: *يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (الرحمن/۳۳)*؛ به علم معنا کرده‌اند، گفته‌اند که معنای آیه این است که انسان با علم و دانش توان رفتن به فضا و صعود به ماه را یافته است. این در حالی است که این آیه در سیاق آیات قرار دارد هدف آن این است که جن و انس توان قرار از قدرت و حکومت الهی را ندارد و همیشه در تحت قدرت اوست.

۲. دابه را در آیه مبارکه: *وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ (نمل/۸۲)*. به ماهواره تفسیر و معنا نموده‌اند، در حالی که این آیه در سیاق آیات است که نشانه‌های قیامت را بیان می‌کند و با این سیاق سازگاری ندارد.

۳. آیات: *يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ، وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (معارج/۸-۹)*. را به روزی تفسیر نموده‌اند که هواپیماهای جنگنده با ابزارهای جنگی مخرب آتش‌زا و اتمی در آسمان پدیدار می‌شود و همه‌جا را به آتش می‌کشند (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱، ۴۷۳) این آیه در سیاق آیات است که درباره ترساندن مکذبین به کیفر عذاب شدید است و باهم سازگاری ندارد؛ و نمونه‌های فراوان دیگری که از ذکر آن‌ها صرف‌نظر می‌شود.

۶. انتظار بیش از حد از قرآن

در رویکرد بعضی از مفسران علمی، این تلقی اکثری از دین و قرآن وجود دارد که تمام مباحث علمی در قرآن وجود دارد و چنین تلقی گسترده و انتظار بیش از حد از قرآن، اگرچه در مقام تئوری نیکو و جذاب است، اما در مقام عمل، آن هنگام که تحقق نمی‌یابد، موجب سرخوردگی و شکست می‌شود و برخی افراد که به طرح این ادعا که همه علوم در قرآن

است، برخی مطالب علمی را بدون این که هیچ ربطی به آیه داشته باشد و یا به بهانه‌ی دلالتی موهوم به قرآن نسبت داده‌اند، مثلاً: ذی القرنین را اشاره به علم و صنعت می‌داند (همان، ۴۷۰-۴۷۱)؛ و یا برخی (اثقال) در آیه: وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (زلزله/۲) را به استخراج نفت و گاز، تفسیر کرده‌اند (رفیعی، ۱۳۷۹، ۲۷۰) هر چند که اشارات در قرآن وجود دارد که همه‌چیز در قرآن کریم هست مثل آیه مبارکه: وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ (نحل/۸۹) ما قرآن را بر تو نازل کردیم درحالی‌که بیان‌گر هم چیز است؛ و آیه مبارکه: مَا فَزَّطْنَا فِي الْكِتَابِ (انعام/۳۸)؛ ما هیچ‌چیز را در قرآن فروگذار نکردیم؛ و آیه مبارکه: لَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (انعام/۵۹)؛ هیچ تر و خشک نیست مگر این که در قرآن کریم وجود دارد.

افزون بر این آیات، روایاتی نیز مؤید است که همه علوم در قرآن وجود دارد. مثل روایت منسوب به علی علیه‌السلام که حضرت فرمود: وَ سَلَوْنِي عَنِ الْقُرْآنِ، فَإِنَّ فِي الْقُرْآنِ بَيَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَ فِيهِ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ (هلائی، ۲، ۱۴۰۵، ۹۴۲) از من در مورد قرآن پرسید، زیرا در قرآن بیان همه‌چیز است و در او علم اولین و آخرین وجود دارد. ابن مسعود که می‌گوید: من اراد علم الاولين والآخرين فليتدبر القرآن (ابن حجر، ۲۰۰۰ م، ۱۴۶). کسی که علم اولین و آخرین را می‌خواهد باید در قرآن تدبر کند. به اعتقاد قرآن‌پژوهان، همه علوم بشری در قرآن وجود ندارد و چنین ادعای هم درست نیست زیرا چنین ادعای خلاف بداهت است. آیه شریفه نیز قید لبی دارد، یعنی هر چیزی که در رابطه با هدایت بشر است در قرآن وجود دارد (جمعی از نویسندگان (رضایی اصفهانی)، ۱۳۸۹، ۳۱۹)؛ و نه این که تمام فرمول‌ها و ریزکاری‌های علوم در قرآن ذکر شده باشد.

اما روایات: روایت منسوب به علی علیه‌السلام، در غیر از کتاب سلم بن قیس در هیچ کتب معتبر روایی ذکر نشده است و کتاب سلم بن قیس از نظر سند معتبر نیست؛ و روایت ابن مسعود نیز که کلام خود ایشان است و نه روایت، بنابراین ادعای استخراج علوم از قرآن درست نیست و این مبنا که همه علوم (فرمول‌های و ریزکاری‌های علوم) از قرآن استخراج می‌شود مخدوش است.

۷. فراموش شدن هدف اصلی قرآن (هدایت)

یکی از آسیب‌های تفسیر علمی این است که هدف اصلی قرآن که تربیت انسان و هدایت او به سوی خداست فراموش می‌شود (جمعی از نویسندگان (رضایی اصفهانی)، ۱۳۹۶، ۳۵۸). قرآن صرفاً به عنوان یک کتاب خشک و بی‌روح علمی معرفی شود. درحالی‌که آوردن مطالب علمی بیش از حد در لابه‌لای تفسیر قرآن موجب می‌شود که هدف اصلی آنکه تربیت، تزکیه انسان و هدایت اوست فراموش شود. به عبارت دیگر تفسیر علمی سبب سوء فهم از قرآن و وظیفه آن می‌شود و گمان می‌شود که قرآن تنها برای بیان علوم آمده است (رفیعی، ۱۳۷۹، ۲، ۲۶۵).

هدف قرآن، تربیت معنوی انسان است و در این راه لازم نیست همه معارف تجربی و غیرتجربی را برای بشر بیان کند. قرآن کتاب هدایت و انسان‌سازی است. برای هدایت بشر نازل شده است تا انسان‌ها را از گمراهی و ضلالت به سوی سعادت و رستگاری هدایت کند. نور است تا بشر را از تاریکی‌های جهل و نادانی خارج کند و به سوی نور و روشنایی رهنمون سازد. قرآن کتاب علمی نیست، کتاب ریاضی، اقتصاد، فیزیک، شیمی، فلسفه، کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی و... نیست و اگر به برخی از مطالب این علوم در قرآن اشاره شده است، اگر از زمین و آسمان، ماه و خورشید، انسان و دیگر پدیده‌های طبیعی و آفرینش آن‌ها سخن می‌گویید، همه نشانه‌ای برای شناخت خدا و ایمان به آخرت معرفی شده، این در راستای هدف اصلی نزول قرآن که همان هدایت انسان‌هاست است.

اما متأسفانه برخی از مفسران بدون توجه به این مسئله مهم، صرفاً با نگاهی علمی و تجربی به مباحث علمی قرآن می‌پردازند و از هدف اصلی قرآن غافل می‌مانند درحالی‌که آنچه در تفسیر علمی باید موردتوجه قرار گیرد، تبیین ارتباط بین موضوعات علمی مطرح‌شده در قرآن و هدف اصلی قرآن است.

۸. تقدس زدایی از اعمال عبادی

ازجمله آسیب‌های تفسیر علمی این است که قداست از اعمال عبادی کاسته شود و بیان حکمت‌های علمی که از سوی برخی مفسران علمی برای تشریع عبادات مطرح‌شده است با روح عبودیت و معنویت سازگاری ندارد مثلاً گفته‌اند که نماز یک نوع ورزش است و هم‌چنین برای هریک از نماز، روزه و وضو و... فلسفه‌های پزشکی به لحاظ سلامت جسمانی بیان کرده‌اند که اگرچه ممکن است در برخی موارد بتوان آن را به‌عنوان حکمتی از حکمت‌های برخی اعمال پذیرفت ولی در بیشتر موارد با روح عبادت و بندگی سازگاری چندانی ندارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶، ۱۶۵).

آسیب‌های دیگری نیز برای روش تفسیر علمی ذکر شده است که از عهده این نوشتار خارج است و فقط به ذکر برخی از عناوین آن‌ها اکتفا می‌شود مثل تعمیم نا به‌جا در یکی بودن کتاب تکوین و تشریع، مطلق‌انگاری علم، تعمیم صلاحیت علم در تفسیر آیات هستی‌شناسانه، عدم توجه به استعمال واژه‌های قرآن، پراکنده‌گویی، تطبیق مطالب غیرعلمی با تصور علمی بودن بر قرآن، غیب زدایی (انکار وحی، قیامت، معجزات، ملائکه، جن و شیطان) زیرا امور غیبی قابل تجربه و مشاهده نیست و...

نتیجه‌گیری

تفسیر علمی یکی از پدیده‌های نوظهور در تفسیر معاصر و اسباب برای سازگاری قرآن و علوم است. این شیوه‌ی تفسیری مانند همه شیوه‌ها و روش‌ها دیگر تفسیری از خطا دور نمانده است و برخی مفسران آن در مبنا، روش و تطبیق به خطا رفته‌اند و بعضاً پیامدهایی منفی نیز به دنبال داشته است. با توجه به این‌که وجود آیات و گزاره‌های علمی در قرآن

انکارناپذیر است ولی با تأمل در تمام آسیب‌های برشمرده شده و نیز پیامدهای که برای آن ذکر شده است، واضح و آشکار می‌شود که عدم رعایت معیارها و قواعد تفسیری در رویکرد علمی، موجب بروز آسیب‌ها می‌گردد. وقتی تحمیل و تکلف بر آنچه در قرآن نیست، بر قرآن می‌شود یا رویکرد علمی بر مبانی نامتقین نهاده می‌شود و یا تفسیر به رأی صورت می‌گیرد یا با تحلیل سطحی، به دهری‌گری و مادی‌گرایی منتهی می‌شود و یا تفسیر بدون مبنا و معیار و بلکه ذوقی و نامعقول می‌گردد و... همگی حکایت‌گر آسیب‌های است ناشی از تأویل و تفسیر بی‌ضابطه، وگرنه، نفس رویکرد علمی، هیچ‌گاه سبب آسیب در فهم قرآن نمی‌شود. بلکه رویکرد اعتدالی با رعایت ضوابط، تعمق و توسعه فهم بشری از قرآن را در پی خواهد داشت.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم
۲. ابوحجر، احمد عمر (۲۰۰۰ م)، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، بیروت، دارالمدار الاسلامی.
۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)، معجم مقایس اللغة، تهران، مکتب الاعلام الاسلامی.
۴. اسعدی، محمد و همکاران (۱۳۹۰)، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ دوم.
۵. بابای، علی اکبر (۱۳۹۱)، مکاتب تفسیر، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶)، درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات قرآن و علوم انسانی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چ اول.
۷. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹)، روش‌شناسی تفسیر علمی قرآن مبانی و اصول، (مجموعه مقالات) تهران، بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء.
۹. خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران، انتشارات ناهید.
۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. ذهبی، محمدحسن (۱۳۹۶ ق)، التفسیر و المفسرون، بی‌جا، بی‌نا.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴)، مفردات فی غریب القرآن، نشر الکتاب.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۳)، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، چاپ دوم.
۱۴. رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۷۹)، تفسیر علمی قرآن، تهران، فرهنگ گستر.
۱۵. رومی، فهد بن عبدالرحمان (۱۴۰۷)، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، بی‌جا، بی‌نا.
۱۶. زرکشی، محمد بن بهادر (۱۳۹۱ ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت دارالمعرفة.
۱۷. زمخشری، جار الله (۱۳۶۷ ق)، الکشاف عن حقائق التنزیل، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى الحلبي و اولاده.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: سید محمدباقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم.

١٩. طبرسى، امين الدين فضل بن حسن (١٣٧٩)، مجمع البيان، بيروت، دار الاحياء التراث.
٢٠. طنطاوى، جوهرى (بى تا)، الجواهر فى تفسير القرآن، قاهره، دارالفكر العربى.
٢١. علامه طباطبايى، محمدحسين (١٣٧٧)، الميزان فى تفسير القرآن، تهران، دارالكتب الاسلاميه.
٢٢. غزالى، ابوحامد (١٩٨٥ م)، جواهر القرآن، بيروت، دار احياء العلوم.
٢٣. فيروزآبادى، مجدالدين (١٤٠٨)، قاموس المحيط، بيروت، دارالمعرفه.
٢٤. معرفت، محمدهادى (١٤١٧)، التمهيد فى علوم القرآن، اسلامى.
٢٥. نوفل، عبدالرزاق (١٩٧٦ م)، القرآن و العلم الحديث، بيروت، دارالكتب العربى.
٢٦. هلالى، سليم بن قيس (١٤٠٥)، كتاب سليم بن قيس الهلالي، ٢ جلد، قم، الهادى، چاپ: اول.